

بررسی و نقد سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر در ایران با تاکید بر اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر

دکتر عباسعلی اکبری ✉

گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز

چکیده:

قانونگذار ایران در قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه سال ۱۳۸۹ آن، همواره با تعیین مجازات‌های نامتناسب و سنگین بالاخص اعدام و حبس ابد، سیاست جنایی مبتنی بر سرکوب و کیفر را محور خود قرار داده است اما این سیاست جنایی چندان مورد اقبال سیاست جنایی قضایی (رویکرد دستگاه قضا) قرار نگرفته است. سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر اساساً بر محور پاسخ‌های دولتی اعم از کیفری و غیر کیفری می‌چرخد ولی در قسمت پاسخ‌های غیر کیفری ناظر بر پیشگیری و درمان، نقش ارگان‌ها و سازمان‌های مردم نهاد محسوس است. جرم‌زدایی نسبی از اعتیاد، مشارکت دادن ارگان‌های غیردولتی و مردم نهاد در درمان معتادان و ترک اعتیاد، جرم‌انگاری مواد روان‌گردان صنعتی و تقلیل مصادره کل اموال مجرم به اموال ناشی از جرم، همکاری با کشورهای دیگر در امر تعقیب و رصد جرایم مواد مخدر، وضع ضمانت اجرای ابطال گذرنامه برای مرتکبین و تشدید مجازات سرکردگان و عاملین اصلی جرایم مواد مخدر از موارد اصلاحیه سال ۱۳۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر تحت تأثیر سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر مصوب ۸۵ و کنوانسیون‌های بین‌المللی بالاخص کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد بوده است. در سیستم قضایی ایران به دلایل مختلف از جمله استفاده بی‌ضابطه و بی‌رویه از نهادهای عفو و تخفیف مجازات، عدم تمایل بسیاری از قضات به اجرای مجازات‌های شدید، کندی سرعت دادرسی‌های کیفری، تا حد زیادی اصول حتمیت و قطعیت مجازات‌ها متزلزل گردیده است.

کلید واژه‌ها: سیاست جنایی، سیاست کیفری، اعتیاد، مجازات نامتناسب، پاسخ دولتی، پاسخ جامعه‌ی، حتمیت و قطعیت مجازات، شدت مجازات.

۱۳۹۱/۸/۱۳

تاریخ دریافت:

۱۳۹۳/۱۰/۱۵

تاریخ پذیرش نهایی:

✉ پست الکترونیکی نویسنده مسئول:

aa.akbari@iaut.ac.ir

اصطلاح «سیاست جنایی»^۱ که عموماً به پروفیسور آلمانی فویرباخ (در سال ۱۸۰۳) نسبت داده می‌شود در مفهوم مضیق آن مترادف با «سیاست کیفری»^۲ بوده و شامل «مجموعه شیوه‌های سرکوبگر می‌شود که دولت به وسیله آن در مقابل جرم واکنش نشان می‌دهد» (نقل از حسینی، ۱۳۸۳: ۲۳). با وجود این، امروزه شاهد بسط سیاست جنایی در معنای وسیع آن هستیم بنابراین سیاست جنایی در معنای وسیع خود عبارتست از «مجموعه روش‌هایی که هیأت اجتماع^۳ (دولت و جامعه) با توسل به آنها پاسخ‌های^۴ خود را به پدیده مجرمانه^۵ سازمان می‌بخشد» (دلماز مارتی، ۱۳۸۱: ۲۳). لذا مطالعه کنونی سیاست جنایی نیز بر مبنای همین مفهوم موسع تجلی یافته است. بدیهی است که حقوق کیفری (سیاست کیفری) همواره نقش محوری در سیاست جنایی ایفا می‌کند لکن، در کنار آن شیوه‌های دیگر کنترل و پاسخ‌دهی به پدیده بزهکاری (جرم و انحراف) اعم از دولتی و جامعوی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد.

بدین ترتیب سیاست جنایی، مجموعه تدابیر متنوع کیفری و غیرکیفری است که دولت و جامعه مدنی به‌طور مستقل یا با مشارکت یکدیگر (سیاست جنایی مشارکتی)، در برخورد با جرم و انحراف در پیش می‌گیرند بنابراین، حکومت‌ها و دولت‌ها با توجه به مبانی سیاسی، حقوقی، فرهنگی و ارزشی خود، مدل‌های مختلف سیاست جنایی را ترسیم می‌کنند؛ بدین نحو که در مدل‌های دولتی سیاست جنایی، پاسخ‌های دولتی و رسمی به پدیده مجرمانه نسبت به مراجع غیردولتی و جامعوی قوی‌تر است و مراجع دولتی همواره بر جامعه مدنی غلبه دارد و بر این اساس، مدل اقتدارگرا، اقتدارگرای فراگیر و مدل دولتی - جامعه مردم‌سالار (لیبرال) را تشکیل می‌دهد. در مقابل مدل‌های دولتی، مدل‌های جامعوی وجود دارند که در آنها نقش نهادهای مدنی (NGO)ها^۶ و جامعوی نسبت به نهادهای رسمی قوی‌تر و پررنگ‌تر بوده و گاه جایگزین نهادهای دولتی می‌شوند به نحوی که مدل جامعوی

1. Criminal Policy

2. Penal Policy

۳. هیأت اجتماع برگردان "Corps Social" می‌باشد که خانم دلماز مارتی آنرا به منظور افاده معنای موسع شامل مجموعه «دولت» و «جامعه مدنی» به کار برده است.

4. Responses

5. Criminal Phenomenon

6. Non-Government Organization (NGO)

خودگردان و مدل جامعه آزادی مطلق (آنارشویست) شکل می‌گیرد. در این میان تأثیر مکاتب کیفری و نظریه‌های نوین جرم‌شناختی بر تحولات سیاست‌های جنایی غیر قابل انکار است.^۱ در سیاست جنایی اسلام که مبتنی بر سزادهی و بازپروری است به رغم اینکه مراجع رسمی به عنوان مرجع انحصاری برای دادن پاسخ کیفری به بزه تعیین شده‌اند. مفاهیم حق الناس و دعوی خصوصی اهمیت ویژه‌ای یافته و تأکید بر سازوکارهای صلح و سازش، عفو، توبه، اقرار، انکار و مانند آن نشان از سهم عمده‌ای مراجع غیررسمی و مردمی برای مشارکت در پاسخ‌های مدنی و ترمیمی دارد (اکرامی، ۱۳۸۹: ۲۳). مدل سیاست جنایی اسلام که سیاست جنایی ایران نیز به نحو عمده متأثر از آن است مدلی مرکب و مکمل است. نظر غالب محققان بر تفوق رویکرد ترمیمی در اسلام است در مدل دولت دینی، ترمیم و عدالت ترمیمی قبل از عدالت قضایی و کیفری مورد تأکید است ولی نافی عدالت قضایی و کیفری نیست (شاکری گلپایگانی، ۱۳۸۵: ۳۳۴). مضافاً اینکه در سیاست جنایی اسلام، پاسخ به تخطی از هنجارها به گونه‌ای بسیار مشهود با مراجع دولتی و مردمی (اجتماعی) مرتبط می‌باشد و نظام پاسخ‌دهی مشترک بین دولت و اجتماع مدنی وجود دارد. از این رو، راه بر بررسی منفک و مجزای مراجع دولتی و مراجع اجتماعی پاسخ به نقض هنجارها در سیاست جنایی اسلام باز می‌باشد (حسینی، ۱۳۸۳: ۱۷۴).

مواد مخدر عامل مهم بیماری اقتصادی و به خطر افتادن بهداشت و سلامت جوامع بشری است قاچاق مواد مخدر و بلای خانمانسوز اعتیاد و مصرف انواع مخدر سنتی و صنعتی بیش از دویست میلیون انسان عصر فراصنعتی را در جهان به اسارت گرفته است.^۲ در مقاله حاضر سیاست جنایی به معنای وسیع آن در مورد جرایم مواد مخدر ناظر بر اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر مورد کنکاش و آسیب‌شناسی قرار گرفته است بدین نحو که ابتدا سیاست جنایی تقنینی و نقد آن و سپس سیاست جنایی قضایی و تضعیف جایگاه حتمیت و قطعیت مجازات‌ها را مورد بررسی قرار داده‌ایم.

گفتار اول - سیاست جنایی تقنینی

سیاست جنایی تقنینی لایه اولیه و روئین سیاست جنایی یک کشور را تشکیل می‌دهد. در ایران با توجه به مقررات جرایم مواد مخدر می‌توان گفت متولی و مرجع اصلی سیاست‌گذاری

۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رجوع کنید به دلماس مارتی، ۱۳۸۱، صفحات ۹۰ تا ۳۰۰ و نجفی ابرندآبادی، سیاست جنایی، علوم جنایی، سال ۸۴، صفحات ۲۰۴ الی ۲۷۱.
 ۲. گزارش سال ۲۰۰۲ دفتر مقابله با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد.

در این خصوص مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشد. سیاست جنایی تقنینی فعلی در مورد جرایم مواد مخدر به استثنای پدیده اعتیاد عمدتاً مبتنی بر شدت مجازات‌ها نظیر اعدام، حبس ابد و دادرسی افتراقی غیرعادلانه می‌باشد. قانونگذار خواسته یا ناخواسته با وضع مجازات‌های سنگین و شدید، سیاست جنایی تسامح صفر^۱ یا بدون تسامح را در پیش گرفته است ولی نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهد که اهداف مورد انتظار حاصل نگردیده است.

سیاست جنایی افتراقی در قبال مواد مخدر از رویکردی دوگانه مبتنی بر تمایز میان دو پدیده اعتیاد و قاچاق و جرایم مرتبط با آن پیروی می‌کند به گونه‌ای که در مورد اعتیاد «سیاست بازپروری و درمان» را روا می‌دارد و برعکس در قلمرو قاچاق، تطهیر و ... بیشتر بر «سیاست سرکوبی»، تأکید می‌کند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۴: ۲۴۰). سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر اساساً مبتنی بر سیاست سرکوب و کیفر می‌باشد و به لحاظ وجود دادرسی کیفری خاص و محدودکننده و در عین حال مضربه حقوق متهمین این جرایم، آیین دادرسی افتراقی را به خود اختصاص داده است. البته چنین روش دادرسی نمی‌تواند مفید و مورد حمایت اندیشمندان و عالمان سیاست جنایی واقع گردد چرا که در حقوق کیفری افتراقی یا دادرسی افتراقی یا به طور کلی سیاست جنایی افتراقی تا وقتی که جنبه‌های سودمندی یا حمایتی یا ابتکاری را با خود نداشته باشد مورد اقبال جرم‌شناسان و حقوقدانان قرار نمی‌گیرد. به ویژه اینکه سیاست جنایی امروزی به معنای وسیع خودش تحت تأثیر یافته‌ها و آموزه‌های جرم‌شناسی و حقوق بشری در حال فاصله گرفتن از سیاست کیفری محض می‌باشد.

الف) مرور اجمالی بر سیاست کیفری قانونگذار و نقد آن

اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر در پانزده بند در سال ۱۳۸۹ بر مبنای سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر مصوب ۸۵ مجمع تشخیص مصلحت و همچنین متأثر از کنوانسیون‌های بین‌المللی بالاخص کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد صورت پذیرفته است. سیاست جنایی قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر و اصلاحیه‌های آن همواره مبتنی بر سیاست

۱. روش «صفر مدارا یا سرکوب محض» ترجمه واژه لاتین Zero Tolerance است. روش مذکور که در اثر ازدیاد خشونت‌ها و ناامنی شهری در برخی از ایالت‌های آمریکا چون نیویورک بکار گرفته شده بود و نتایج مثبتی هم در پی داشت توسط برخی جرم‌شناسان فرانسوی مورد توجه و ستایش قرار گرفت؛ در این روش قانونگذار به پلیس و دیگر کارکنان نظام عدالت کیفری اختیار مبارزه سخت‌گیرانه و سرکوبگرانه داده بود به نحوی که باید گفت هیچگونه تسامح و تساهلی در مبارزه با بزهکاران در نظر گرفته نمی‌شد.

کیفری ترسیم گردیده است حتی در اصلاحیه سال ۸۹ تغییرات آنچنانی را در این خصوص شاهد نیستیم بااستثنای اعتیاد که در صفحات آتی به آن خواهیم پرداخت. سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر ابلاغی سال ۸۵ که اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر بر مبنای متاثر از آن صورت گرفته به طور خلاصه عبارتست از:

- مبارزه فراگیر و قاطع علیه کلیه فعالیت‌ها و اقدامات غیرقانونی مرتبط با مواد مخدر و روانگردان.

- تقویت، تجهیز و استفاده فراگیر از امکانات اطلاعاتی، نظامی، انتظامی و قضایی برای شناسایی و تعقیب و انهدام شبکه‌ها و مقابله با عوامل اصلی داخلی و بین‌المللی مرتبط با مواد مخدر و انواع روانگردان و پیش‌سازهای آنها.

- تقویت، تجهیز و توسعه یگان‌ها و مکانیزه کردن سیستم‌های کنترلی و تقویت ساختار تخصصی مبارزه با مواد مخدر در نیروی انتظامی و سایر دستگاه‌های ذیربط.
- اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در مقابله با تهدیدات و آسیب‌های ناشی از مواد مخدر و روانگردان با بهره‌گیری از امکانات دولتی و غیردولتی با تأکید بر تقویت باورهای دینی مردم و اقدامات فرهنگی.

- جرم‌انگاری مصرف مواد مخدر و روانگردان و پیش‌سازهای آنها.
- ایجاد و گسترش امکانات عمومی تشخیص، درمان، بازتوانی و اتخاذ تدابیر علمی جامع.
- اتخاذ تدابیر لازم برای زمینه‌سازی حمایت‌های اجتماعی پس از درمان مبتلایان به مواد مخدر و انواع روانگردان.

- تقویت و ارتقاء دیپلماسی منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با مواد مخدر و روانگردان.
- اتخاذ تدابیر لازم برای مشارکت جدی آحاد مردم و خانواده‌ها و حمایت از تشکل‌های مردمی در زمینه‌های پیشگیری، کاهش آسیب و درمان.
- ارتقاء و اصلاح ساختار نظام مدیریت مبارزه با مواد مخدر و روانگردان.

بند یک اصلاحیه، پس از عبارت «مواد مخدر» در مواد مختلف قانون، عبارت «یا روان‌گردان صنعتی غیردارویی» را اضافه نموده و رسیدگی به آنها را تابع مقررات رسیدگی به جرایم مواد مخدر دانسته است. بنابراین قانونگذار در اصلاحیه مزبور متأثر از بندهای یک و پنج سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر، با جرم‌انگاری مواد روان‌گردان صنعتی غیردارویی به اختلاف نظرها و ابهامات موجود در خصوص جرم بودن یا نبودن آنها پایان بخشیده است.

بند چهار اصلاحیه، در جرایمی که مجازات مصادره اموال نیز برای آنها تعیین شده، «مصادره اموال ناشی از جرم» را جایگزین عبارت «مصادره اموال به استثنای هزینه زندگی

متعارف برای خانواده محکوم» نموده است. به عبارت دیگر سیاست جنایی قانونگذار در مورد مصادره اموال، جایگزینی مصادره جزء (اموال ناشی از جرم) به جای مصادره کل (کلیه اموال مجرم) می‌باشد که در مقایسه با قبل به مراتب ملایم‌تر و به عدالت و انصاف نزدیک‌تر است. این ملایمت شاید بدین دلیل بوده که مصادره کلیه اموال مرتکب علاوه بر اینکه عادلانه و منصفانه نیست، موجب عسرت و حرج شدید خانواده مرتکب نیز می‌گردد به نحوی که حتی بعد از تحمل مجازات، احتمال تأمین مایحتاج زندگی خود از طریق رفتارهای مجرمانه را افزایش می‌دهد. بنابراین سیاست جنایی قانونگذار از یک طرف حمایت از بزه‌دیدگی خانواده مرتکب و از طرف دیگر حمایت از بازتوانی و بازگشت مرتکب به زندگی اجتماعی بوده است. به عبارت دیگر مصادره اموال ناشی از جرم علاوه بر اعمال مجازات اصلی، از نظر روابط فرعی ناشی از پاسخ‌ها در سیاست جنایی، نوعی رابطه طولی (مکمل) می‌باشد یعنی مصادره اموال ناشی از جرم مکمل مجازات اصلی است.

بند ۹ اصلاحیه، با الحاق ماده ۱۸ به قانون مبارزه با مواد مخدر در مورد سرکردگان و کسانی که دیگران را برای ارتکاب جرایم مواد مخدر اجیر نمایند یا حمایت مالی کنند از طریق وضع مجازات اعدام، سیاست تشدید مجازات را به کار برده است. سیاست کیفری قانونگذار در مورد این افراد شاید بدین شکل توجیه می‌شود که نامبردگان اگر چه طبق عموماً حقوق جزا در قالب معاونت، قابل مجازات هستند ولی به جهت شدت تأثیر عمل آنها در وقوع جرایم مواد مخدر و استفاده ابزاری از خرده‌پاهای فقیر و نیازمند برای عملی نمودن نقشه‌های شوم خود در قالب مباشر معنوی، سیاست کیفری شدیدی را می‌طلبد و معمولاً همین افراد خرده‌پا و آلت دست، گرفتار چنگال قانون می‌شوند و خود سرکردگان در حاشیه مصون و امن، نقشه‌های مجرمانه خود را عملی می‌کنند.

بند ۱۰ اصلاحیه، با الحاق ماده ۳۵ به قانون مبارزه با مواد مخدر، سیاست تشدید کیفر را برای کسانی که اطفال و نوجوانان زیر ۱۸ سال را وادار یا مجبور به مصرف مواد مخدر یا ارتکاب جرایم مواد مخدر می‌نمایند یا جبراً مواد مخدر را به آنها تزریق می‌کنند مقرر نموده است. قانونگذار در این بند ضمن تمرکز بر دو رفتار مجرمانه «مصرف» و «ارتکاب یکی از جرایم مواد مخدر» از طریق جلوگیری از ورود اطفال و نوجوانان به پدیده شوم اعتیاد و ارتکاب جرم، سیاست حمایتی و پیشگیری کیفری را در مورد آنها مد نظر داشته است.

جنبه فراملی، فرامرزی و سازمان‌یافته بودن قاچاق مواد مخدر، قانونگذار را بر آن داشته است که در راستای مبارزه فراگیر با این جرایم، تحت تأثیر بندهای دوم و سوم و هشتم سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر (مقابله با عوامل اصلی داخلی و بین‌المللی مواد مخدر، کنترل مرزها و جلوگیری از اقدامات غیرقانونی) به نیروی انتظامی اجازه دهد در چارچوب

موافقتنامه‌های دو یا چندجانبه بین ایران و سایر کشورها جهت شناسایی مجرمان این قانون، ردیابی منابع مالی، کشف راههای ورود یا عبور محموله تحت کنترل را در داخل و خارج از کشور ردیابی و رصد نماید (بند ۱۳ اصلاحیه موضوع الحاق ماده ۴۳ به قانون).

بدون شک همکاری‌های بین‌المللی و چندجانبه دولت‌ها در حقیقت مهمترین ویژگی یک مبارزه جامع با جرایم مواد مخدر است چرا که مبارزه با جرایم فراملی و سازمان‌یافته نیازمند اتخاذ تدابیر مشترک و همکاری‌های گسترده در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی است. در این راستا قانونگذار به موجب بند ۱۴ اصلاحیه (الحاق ماده ۴۴ به قانون)، وزارت اطلاعات را مکلف نموده تا ضمن جمع‌آوری اطلاعات لازم در زمینه شبکه‌های اصلی منطقه‌ای و بین‌المللی قاچاق مواد مخدر، نسبت به شناسایی و تعقیب آنها و ارائه سرویس اطلاعاتی به نیروی انتظامی و مراجع ذیصلاح اقدام نماید.

بدین ترتیب مشخص می‌گردد سیاست جنایی تقنینی ایران تحت تأثیر کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص مبارزه با مواد مخدر بالاخص کنوانسیون ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد، همکاری مؤثر با دیگر کشورها را در قالب توافقنامه‌های دو یا چندجانبه یا از طریق اینترپل^۱ مد نظر قرار داده و سیاست جنایی فراگیر و کلان را در مقام مبارزه با جرایم مواد مخدر به کار گرفته است.

سیاست کیفری قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب، شدت مجازاتها و عدم تناسب آنهاست به نحوی که در تعیین مجازات‌ها به میزان قبح اجتماعی عمل، کرامت انسانی، موازین حقوق بشری و اصل عدالت که از معیارهای تناسب تلقی می‌شوند توجه کافی ننموده است. وضع مجازات‌های اعدام و حبس‌های طولی‌المدت برای خیلی از این جرایم، حکایت از سیاست سرکوب و طرد مرتکبین آنها بدون توجه به تناسب و اهداف مجازات‌ها بالاخص اثر بازدارندگی آن می‌کند.

«ناتوان‌سازی یا سلب توان بزهکاری عمدتاً بر این استدلال مبتنی است که هدف ارعایی یا اصلاحی مجازات در مورد برخی مجرم‌ها کارگر نیست در واقع هدف از سلب حقوق و توانایی فرد بزهکار، به عنوان یک اهرم کیفری تضمین این امر است که با خارج از دور کردن مجرم، دیگر مرتکب جرم نشود» (نجفی ابرندآبادی و هاشم‌بیگی، ۱۳۷۷: ۱۸۵). یکی از مصادیق بارز ناتوان‌سازی، مجازات اعدام می‌باشد بنابراین آیا می‌توان گفت غیر از مجازات اعدام، مجازات‌های دیگری در مورد مجرمی که برای بار اول مرتکب جرم شده است کار ساز نمی‌باشد با وصف اینکه مجازات دیگر در مورد وی اعمال نگردیده تا مشخص شود که

۱. سازمان بین‌المللی پلیس جنایی (ICPO) - International Criminal Police Organization

فایده‌مند بوده است یا نه. لذا گزینه مجازات اعدام در مورد چنین مجرمی به صورت جدی محل تأمل و تردید است. حداقل شاید اجرای قانون موسوم به سه ضربه در مورد تکرارکنندگان جرم قابل توجه باشد ولی در مورد سایر مجرمین که برای بار اول و احتمالاً به صورت اتفاقی به ارتکاب جرم دست یازیده‌اند کاملاً ناعادلانه و نامتناسب جلوه می‌نماید.^۱ ضمن اینکه نظریه ناتوان‌سازی با دو انتقاد اساسی مبتنی بر عدم هماهنگی آن با فایده‌گرایی و مخالفت با موازین عدالت مواجه می‌باشد (یزدیان جعفری، ۱۳۹۱: ۹۷). به قول «گسن» تشخیص حالت خطرناک، هم به لحاظ بالینی به استفاده از اقدامات الزام‌آور غیرموجه برای آزادی فردی منجر می‌شود و هم به لحاظ آماری با خطا توأم است (گسن، ۱۳۷۰: ۵۷). بنابراین با وجود چنین انتقاداتی، باید در اعمال نظریه ناتوان‌سازی بالاخص توسل به اعدام، کاملاً محتاطانه عمل نمود.

نظریه تناسب جرایم و مجازات‌ها را منتسکیو در کتاب روح‌القوانین و سزار بکاریا در رساله جرایم و مجازات‌ها عنوان کرده‌اند به نحوی که در حال حاضر همه علمای حقوق جزا در خصوص این نظریه متفق‌القول هستند. "قانونگذار ایران در موارد متعدد بدون توجه به معیارهای اصلی تناسب و عمدتاً با در نظر گرفتن اهداف پیشگیری عمومی و خصوصی و مصلحت اجتماعی به جرم‌انگاری و وضع مجازات پرداخته است و بدین ترتیب از محدوده عدالت و استحقاق خارج شده است" (حبیب‌زاده و غیره، ۱۳۸۷: ۱۳۱). وفاداری مطلق به اصل تناسب و وضع معیارهای الزامی برای تعیین مجازات، ایجاب می‌کند که بر حسب درجه شدت و ضعف جرایم تنظیم شود تا از شکست و افول این راهبرد جلوگیری کند (فرج‌الهی، ۱۳۸۹: ۲۱۴).^۲ عدالت خوب آن نیست که شدیداً مجازات کند بلکه آن است که به همه تبهکاران بپردازد و کارایی مجازات، بیشتر با ترسی که ایجاد می‌کند اندازه‌گیری می‌شود تا با شدت آن (ژان پرادل، ۱۳۸۷: ۵۵ و ۷۱). ضمن اینکه سخت‌گیری و اعمال شدت در مجازات‌ها ممکن است شایستگی دولت را در توزیع عدالت زیر سوال ببرد و در عمل موجب تشویق افراد به بزهکاری می‌شود (سنا و سیگل، ۱۹۹۶: ۲۲۶).

بنابه مراتب می‌توان گفت قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر با تعیین مجازات‌های اعدام و حبس‌های طولانی مدت، اصل تناسب مجازات‌ها را زیر پا گذاشته است. برای مثال

۱. قانون موسوم به سه ضربه در ایالات آمریکا از قبیل کالیفرنیا و واشنگتن جاری است. طبق این قانون پس از دو بار محکومیت به خاطر جنایت، ارتکاب جرم در بار سوم مواجه با حبس ابد است. زیرا چنین مجرمی خطرناک تشخیص داده شده و باید از جامعه طرد شود.

۲. ترجمه از: Berns, (Walter), Retribution as a Ground for Punishment, Crime and Punishment, by Bauman, (Fred E), & Jensen, (tmkernne), university press of Wirginia, 1989. P1.

بین کسی که مقدار ناچیز از ماده هروئین (۳۱ گرم) را بفروشد یا توزیع نماید و کسی که به عنوان سر دسته باند در خرید و فروش صد کیلو از آن ماده مخدر دخالت نماید فرقی قائل نشده و مجازات هر دو را اعدام تعیین نموده است؟! (ماده ۸ قانون مبارزه با مواد مخدر و تبصره یک آن اصلاحی ۸۹) حتی در راستای اصل تفرید مجازات‌ها^۱ (اعمال تناسب)، اختیار قضات را به شدت محدود نموده است.

سیاست کیفری ایران در برخورد با قاچاق مواد مخدر، عملاً بیشتر معطوف به برخورد با افراد حاشیه‌ای بوده است و افراد اصلی در معرض تعقیب نبوده‌اند عدم دسترسی به افراد اصلی، به علت سازمان یافته بودن جرم قاچاق مواد مخدر است عاملان اصلی برای قاچاق از دور برنامه‌ریزی می‌کنند و افراد ضعیف و آسیب‌پذیر را وارد میدان می‌کنند بنابراین شرایط مبارزه با مواد مخدر عملاً به مبارزه با لایه‌های پایین سازمان قاچاق مواد مخدر محدود می‌شود (رحمدل، ۱۳۸۶: ۸۲). با این که در اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر با الحاق مواد ۱۸ و ۳۵ به قانون مذکور از طریق اعمال مجازات شدیدتر (اعدام و حبس ابد) برای کسانی که این جرایم را از طریق اشخاص دیگری مرتکب می‌شوند یا فعالیت‌های مجرمانه را سازماندهی و پشتیبانی مالی می‌کنند تا حدی این خلأ تقنینی رفع شده است ولی مشکل دسترسی به عوامل اصلی یا سر کردگان این جرایم، تعقیب آنها از نظر قضایی و بالاخره عدم تعادل و تناسب مجازات‌ها بالاخص در مورد افراد خرده‌پا کماکان باقی است.

«قانونگذار بعد از انقلاب هر جا که به تصورش با مشکل تعیین مجازات اعدام مواجه بوده است به صبغه مذهبی متوسل شده و به عبارتی از قبیل مفسد فی الارض یا محارب تمسک جسته است ... تعیین مجازات اعدام با توجه به اصل ۹ قانون اساسی با تردید اساسی مواجه است چون طبق اصل مزبور حتی به بهانه حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور نمی‌توان حقوق و آزادی‌های مشروع افراد را سلب نمود» (رحمدل، ۱۳۸۳: ۷۰).^۲

اگر این نظریه (بازدارندگی مجازات اعدام) کارایی داشت می‌بایست تحمیل مجازات‌های سنگین به مجرمان، مانع تکرار جرم می‌شد و کسانی که به مجازات‌های خفیف‌تری محکوم

1. Individualization of punishment

۲. در مورد حدی یا تعزیری بودن مجازات اعدام در قانون مبارزه با مواد مخدر اختلاف نظر وجود دارد. ظاهراً واضعان این مجازات به عنوان افساد فی الارض متوسل می‌شوند و احتمالاً بدین دلیل در درجه‌بندی مجازات‌ها در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲، اعدام جزء مجازات‌های تعزیری نیامده است ولی با توجه به منصوص نبودن مجازات اعدام به عنوان حد در منابع شرعی و توصیف مجرمانه مستقل جرم افساد فی الارض در قانون اخیر، به نظر می‌رسد جز در موارد ارتکاب گسترده جرایم مواد مخدر با نتایج گسترده نمی‌توان به ارتکاب جرایم مواد مخدر به صورت موردی، وصف افساد فی الارض داد لذا به نظر می‌رسد که مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر صبغه تعزیری (حکومتی) دارد.

می‌شوند نرخ تکرار جرم در میان آنها بیشتر می‌شود. تحقیقاتی که در انگلستان صورت گرفته است خلاف این ادعا را نشان می‌دهد (کلاوادیو و دیگنان، ۱۳۸۹، ۵۳). در باب مجازات‌های اسلامی نیز این یک اصل است که مجازات باید با جرم تناسب داشته باشد اما چون ملاک عقوبت‌های اسلامی متنوع است از نظر میزان مجازات، بر خلاف حدود، کمیت مجازات تعزیری به صلاحدید حاکم بایستی متناسب با جرم و حال بزهکار باشد (محقق داماد، ۱۳۷۹: ۲۲۴ و ۲۰۸). البته قبل از آنکه مجازات را با شدت جرم یا شخصیت مجرم متناسب کنیم باید تطابق آن با کرامت انسانی تأیید شود. سودانگاری و نیز سزادهی از نوعی افراطی آن به مجازات‌هایی می‌انجامد که با شأن و کرامت انسانی مغایر است (نوبهار، ۱۳۸۰: ۳۲۶). با قبول اصل تناسب نه تنها می‌توان به اجرای عدالت استحقاقی امیدوار بود بلکه به لحاظ فایده‌گرایی نیز فواید زیادی برای اجتماع خواهد داشت (یزدیان جعفری، ۱۳۸۷: ۱۴۳). از جنبه عملی نیز مجازات شدیدتر از استحقاق، عواقبی نظیر افزایش گذشت ضابطان و قضات، بی‌تأثیری مجازات، تغییر شکل جرم، ارتکاب جرایم دیگر برای فرار از آن توسط مجرم و در برخی موارد ارزش یافتن جرم ارتكابی را به همراه خواهد داشت (مظلومان، ۱۳۵۳: ۲۷۸ به بعد).

یکی از توجیهات اساسی مجازات، عادلانه بودن آن است و این مهم جز از طریق برقراری تناسب مجازات با جرم که از شؤونات قانونگذار تلقی می‌شود میسر و ممکن نخواهد بود. معلوم نیست قانونگذار ایران چگونه و با چه توجیهی برای جرایمخرد مواد مخدر که توسط افراد پایین‌دست واقع می‌شوند مجازات سنگینی مثل اعدام یا حبس ابد وضع نموده است؟! بنابراین تردیدی باقی نمی‌ماند که قانونگذار ایران با وع مجازات‌های شدید در مورد جرایم مواد مخدر به لحاظ عدم رعایت اصل تناسب، غیرعادلانه و فراتر از حد استحقاق عمل نموده است. یکی از مؤلفه‌های جرم‌انگاری، همسویی مجازات جرم با میزان قبح اجتماعی آن می‌باشد تا اینکه عادلانه بودن مجازات و تناسب آن با جرم توجیه گردد. چه بسا مجازات‌های ناهماهنگ با افکار عمومی، مورد اقبال مردم بالاخص قضات و دست‌اندرکاران امر خطیر مبارزه با مواد مخدر قرار نگیرد. اینجاست که اهداف مقنن در مبارزه با جرایم مواد مخدر با شکست مواجه می‌شود. افکار عمومی به هیچ وجه قبح اجتماعی جرایم قتل عمد یا تجاوز به عنف را در مقایسه با فروش ۳۱ گرم هروئین در داخل کشور که مجازات همگی اعدام است به یک میزان بر نمی‌تابد. عدم رعایت تعادل و توازن در جرم‌انگاری مواد مخدر توسط قانونگذار بر مبنای تناسب مجازات با جرم، به روشنی نمایانگر انحراف قانونگذار از مسیر سیاست کیفری درست و ضابطه‌مند می‌باشد.

بی‌عدالتی ماهوی^۱ ممکن است در اثر جرم‌انگاری نابجا یا تعریف مغرضانه عمل مجرمانه و غیرمجرمانه به وجود آید. به عنوان نمونه، اگر مجازات استفاده کردن از کراک (Crak) شدیدتر از مجازات استفاده مضر از کوکائین در شرایط یکسان باشد بی‌عدالتی ماهوی وجود خواهد داشت. می‌توان به کامل شدن عدالت ماهوی (اجتناب از تمام بی‌عدالتی‌ها) امید بست ولی کامل شدن عدالت شکلی (به لحاظ وجود اشتباهات قضایی اجتناب‌ناپذیر) امکان‌پذیر نخواهد بود (جرج‌پی، ۱۳۸۴: ۳۵۱). عدالت ماهوی در جرم‌انگاری و تعیین مجازات که از شئون قانونگذار تلقی می‌گردد بر مبنای رعایت تناسب مجازات‌ها با جرایم، تطابق جرایم با میزان قبح اجتماعی آن و بالاخره فایده‌مندی مجازات‌ها ترسیم می‌گردد با این وجود با توجه به مجازات‌های جرایم مواد مخدر و دادرسی محدودکننده آن، بی‌عدالتی ماهوی و شکلی کاملاً محسوس و مشهود است. شاید ایده سرکوب و تشدید مجازات‌ها در قانون مزبور ناشی از دیدگاه سنتی حاکمیت به مقوله مواد مخدر مبنی بر رعایت مصلحت و مبارزه با استعمار توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام مقرر گردیده است، ولی نباید از این مهم غافل شد که مقوله جرم و مجازات معطوف به عامل انسانی به نام بزهکار در کنار سایر بزهکاران و بزه‌دیدگان می‌باشد لذا در ترسیم سیاست کیفری مبارزه با جرایم مواد مخدر مثل سایر جرایم (جدا از دیدگاه سنتی)، باید اصول و قواعد حاکم بر جرم‌انگاری و تعیین مجازات‌های متناسب، عادلانه و فایده‌مند مورد توجه قرار گیرد. البته جای خرسندی است که مجمع تشخیص مصلحت نظام در ماده ۴۵ اصلاحیه سال ۸۹ قانون مبارزه با مواد مخدر، اختیار اصلاح آن را به مرجع عام قانونگذاری (مجلس شورای اسلامی) داده است و این مهم، نقطه عطفی است در راستای جرم‌انگاری اصولی مبتنی بر افکار عمومی که مجلس آن را نمایندگی می‌کند.

ب) سیاست‌های غیر کیفری

مواردی از سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر (۸۵) که ناظر بر سیاست جنایی غیر کیفری نظیر پیشگیری، درمان و ترک اعتیاد است عبارتند از:

- بند ۴ از سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر مبنی بر اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در مقابله با تهدیدات و آسیب‌های ناشی از مواد مخدر با بهره‌گیری از امکانات دولتی و غیردولتی با تأکید بر باورهای دینی مردم و اقدامات فرهنگی، آموزشی، هنری.

- بند ۶ از سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر از سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر مبنی بر ایجاد و گسترش امکانات عمومی تشخیص، درمان، بازتوانی و اتخاذ تدابیر علمی جامع و فراگیر با هدف درمان و بازتوانی مصرف‌کنندگان، کاهش آسیب‌ها و جلوگیری از تغییر الگوی مصرف از مواد کم‌خطر به مواد پرخطر.

- حمایت‌های اجتماعی پس از درمان مبتلایان به مواد مخدر در زمینه اشتغال، اوقات فراغت و فراهم نمودن امکانات خدمات درمانی و نیازهای حمایتی افراد مذکور.

- بند ۹ از سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر مبنی بر اتخاذ تدابیر لازم برای حضور و مشارکت جدی آحاد مردم و خانواده‌ها و حمایت از تشکل‌های مردمی در زمینه پیشگیری، کاهش آسیب و درمان معتادان.

- بند ۱۰ از سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر مبنی بر توسعه مطالعات و پژوهش‌ها در امر مبارزه با مواد مخدر و روانگردان و پیشگیری و درمان معتادان با تکیه بر دانش روز دنیا و استفاده از ظرفیت‌های علمی و تخصصی ذیربط در کشور.

و همچنین بند (ز) ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روانگردان بر اساس محورهای مختلف تصریح نموده است. از جمله: پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و قاچاق آن با استفاده از تمامی امکانات و توانمندی‌های علمی، در اولویت قرار دادن استراتژی کاهش آسیب و خطر، کاردرمانی و آموزش مهارت‌های زندگی سالم و روان‌درمانی و درمان اجتماع‌مدار معتادان، جلوگیری از تغییر الگوی مصرف مواد مخدر به داروهای شیمیایی و صنعتی، تقویت نقش مردم و سازمان‌های غیردولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد.

۱. اصلاح، درمان و پیشگیری

قبل از اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر، ماده ۱۵ آن قانون صراحتاً اعتیاد را جرم می‌دانست ولی به کلیه معتادان اجازه درمان و بازپروری داده می‌شد. ولی قانونگذار در بند ۶ و ۱۷ اصلاحیه با الحاق مواد ۱۵ و ۱۶ به قانون، ابتدائاً با جرم‌زدایی از اعتیاد و تلقی آن به عنوان بیماری، معتادان را مکلف به درمان و ترک اعتیاد خود با مراجعه به مراکز مجاز دولتی، غیردولتی یا خصوصی و یا سازمان‌های مردم‌نهاد نموده است. چنانچه معتادان از انجام این تکلیف خودداری نمایند قانونگذار به قید این شرط معتاد را مجرم تلقی نموده و مستوجب مجازات حبس از ۹۱ روز تا شش ماه دانسته است. ملاحظه می‌شود که سیاست جنایی قانونگذار در مورد پدیده اعتیاد مبتنی بر پاسخ دولتی و جامعوی غیرکیفری از طریق درمان و بازپروری است. چنانچه معتاد خود را تسلیم این سیاست درمان و حمایت نکند مجرم

تلقی شده و از جهت تخطی از تکلیف درمان و ترک اعتیاد(نه به جهت اعتیاد)، مشمول سیاست کیفری قانونگذار قرار می‌گیرد. از نظر روابط فرعی ناشی از پاسخ‌های سیاست جنایی، مقنن با جرم‌زدایی از اعتیاد و برخورد بیمارگونه با معتاد، رابطه‌ی عرضی (جایگزین) را اختیار نموده است. مگر اینکه معتاد به تکلیف درمانی و ترک اعتیاد خود عمل ننماید که در این صورت نه از جهت اعتیاد بلکه از جهت تخطی از عمل به تکلیف درمان خود مجرم شناخته می‌شود. به عبارت دیگر سیاست جنایی اولیه مقنن در مورد معتاد متأثر از بندهای ۶ و ۷ سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر مبتنی بر سیاست غیرکیفری (درمان و بازپروری) است. چنانچه شخص معتاد به تکلیف مقرر مبنی بر ارزیابی گواهی درمان و ترک اعتیاد عمل ننماید سیاست کیفری جایگزین می‌گردد (رابطه‌ی عرضی).

سیاست جنایی افتراقی در قلمرو مواد مخدر بر این اندیشه استوار است که نحوه رفتار با یک معتاد به دلیل آسیب‌پذیری و وضعیت بیمارگونه‌ای که داراست، ظرافت، دقت و انعطاف خاصی را می‌طلبد که باید با شیوه‌های ناظر به بزهکاری قاچاقچیان متفاوت باشد به بیان دیگر در اینجا نیز به معتاد می‌توان به عنوان «قربانی»^۱ مواد مخدر نگریست (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴: ۳۰۵). می‌توان گفت سیاست جنایی مبتنی بر "بازپروری و درمان" در مورد معتاد از یافته‌ها و آموزه‌های جرم‌شناسی^۲ و بزه‌دیدة‌شناسی^۳ که در آن شخص معتاد به عنوان بیمار و قربانی جرایم مواد مخدر شناخته می‌شود، الهام گرفته است.

پیشگیری غیرکیفری از اعتیاد و وقوع جرایم مواد مخدر با اینکه در دو ماده ۴ و ۹ سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر سال ۸۵ بر محور اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه در مقابله با تهدیدات و آسیب‌های ناشی از مواد مخدر و مشارکت جدی آحاد مردم و خانواده‌ها و حمایت از تشکل‌های مردمی در زمینه‌های پیشگیری، کاهش آسیب و درمان معتادان مورد توجه قرار گرفته است ولی در اصلاحیه، مقرره‌ی خاصی در مورد پیشگیری غیرکیفری از جرایم مواد مخدر ملاحظه نمی‌گردد اما در مورد اعتیاد، اعمال سیاست درمان و بازپروری به نوعی پیشگیری ثانویه از جرم که معطوف به گروه‌های در معرض خطر و ارتکاب جرم (مثل معتاد) می‌باشد، تلقی می‌شود.

طبق مطالعات انجام شده در برخی از کشورها از جمله ایران به مداخلات درمانی بیش از پیشگیری اولیه اهمیت داده شده است و حتی در توزیع اعتبارات برای اجرای برنامه‌های پیشگیری اولیه توجه‌لازم نشده است، در حالیکه باید این توجه معکوس باشد. زیرا

1. Victim
2. Criminology
3. Victimology

برنامه‌های کاربردی پیشگیری اولیه تمام افراد در معرض خطر جامعه را پوشش می‌دهد و اقدامی کنشی محسوب می‌گردد ولی برنامه‌ی درمانی، واکنشی است و فقط افرادی را که مواد مخدر مصرف می‌کنند (مرحله دوم) و یا به مرحله سوم رسیده و در دام اعتیاد اسیر می‌باشند شامل می‌شود. البته در این دو مرحله هم، اعتبارات، بیشتر صرف معتادان مزمن می‌شود و افرادی که هنوز به اعتیاد مزمن دچار نگردیده‌اند اغلب فراموش می‌شوند، لذا منظور این است که فقط اولویت جابجا شود ولی برنامه درمان هم به موازات برنامه‌های پیشگیری و کاهش آسیب به طور جدی به صورت تلفیقی دنبال شود (اسعدی، ۱۳۸۸: ۲۱۸ و ۲۱۹).

همچنین در بند هفت اصلاحیه، موضوع اصلاح ماده هفت قانون مبارزه با مواد مخدر دایر بر نگهداری معتادان مواد مخدر در مراکز دولتی مجاز درمان و کاهش آسیب و همچنین اجرای تکالیف مراقبت بعد از خروج توسط معتادان و به دستور دادگاه، تحت تأثیر یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیری وضعی^۱ یا موقعیتی (کاهش فرصت‌های ارتکاب و آماج‌های جرم) وضع گردیده است..

سیاست جنایی در قبال مواد مخدر یک رویکرد کلان به این پدیده است که از طریق اعمال پاسخ‌های گوناگون در قالب آیین‌های متنوع دادرسی در مراجع مختلف قضایی، اداری، انتظامی در کنار جامعه مدنی به کنترل جرایم مواد مخدر می‌پردازد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۸۴: ۲۵۰). در مورد مقررات پایین‌دستی دیگر که مشمول سیاست جنایی غیرکیفری ناظر بر مقوله‌های اصلاح و درمان، ترک اعتیاد و پیشگیری از جرایم مواد مخدر و بالاخره مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد هستند به برخی از آنها اشاره می‌شود.

- آیین‌نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر که در اجرای مواد ۳۳ و ۳۴ قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۱۳۷۷ به تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر رسیده و در حال حاضر اجرا می‌شود.

- راهنمای مراقبت‌های درمانی در مراکز درمان اجباری که در اجرای ماده ۱۶ اصلاحی قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۸۹ با مشارکت وزارت بهداشت و اداره کل درمان و حمایت‌های اجتماعی دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر که در اسفند سال ۸۹ تنظیم گردیده است.

۱. Situational Crime Prevention. پیشگیری وضعی که آن را پیشگیری بزه‌دیده‌مدار نیز می‌نامند از انواع پیشگیری غیرکیفری است که موضوع مطالعه آن کاهش فرصت‌های ارتکاب جرم از طریق دشوار ساختن ارتکاب جرم یا افزایش خطرات آن می‌باشد.

- مصوبه راهبرد و اهداف برنامه ۵ ساله قوه قضائیه (۹۴-۹۰) که در روزنامه رسمی مورخ ۹۰/۹/۱۹ منتشر گردیده است در بند یک از قسمت (د) بر ارتقای سطح مشارکت ملی (دولتی و مردمی) برای پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی تصریح دارد.

- دستور تأسیس، مدیریت و نظارت بر مراکز اقامتی «درمان اجباری» موضوع ماده ۱۶ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۸۹/۵/۹ مجمع تشخیص مصلحت)

- تصویب خط‌مشی‌ها و تدابیر رسانه‌ای ستاد مبارزه با مواد مخدر در سال ۸۸ در مورد عرصه‌های پیشگیری، درمان، مقابله، پژوهش، ارتباطات و سازمان‌های مردم‌نهاد.

- سند جامع پیشگیری اولیه از اعتیاد مصوب ۱۳۹۰: یکی از وجوه متمایز این سند در مقایسه با دیگر اسناد در زمینه پیشگیری اولیه از اعتیاد، رویکرد جامع آن در کادر نظام برنامه‌ریزی ملی است. در این سند، پیشگیری از اعتیاد به معنای پیشگیری اولیه از فرایند منجر به اعتیاد شامل گرایش به مصرف، مصرف آزمایشی، مصرف گاهگاهی، سوءمصرف و وابستگی است. هدف کلان پیش‌بینی شده در این سند، کاهش میزان بروز اعتیاد به مواد مخدر است. از اهداف این طرح، تقویت مشارکت در برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد در قالب سازمان‌های مردم‌نهاد به ویژه از نوع جامعه‌محور و شوراهای اسلامی شهر و روستا است. وزارت بهداشت، سازمان بهزیستی و وزارت آموزش و پرورش ارگان‌های دخیل در این طرح شناخته شده‌اند. نسخه نهایی این سند از سوی وزیر کشور و دبیر کل ستاد مبارزه با مواد مخدر به دستگاه‌های اجرایی عضو و ذیربط در مورخه ۹۰/۲/۱۳ ابلاغ شده است.^۱

بند هشت اصلاحیه، موضوع الحاق ماده ۱۷ به قانون مبارزه با مواد مخدر مبنی بر ابطال گذرنامه و ممنوع‌الخروج کردن مرتکبین جرایم مواد مخدر به مدت یک تا پنج سال و تشدید آن از ۵ تا ۱۵ سال در صورت تکرار جرم، یکی از موارد پاسخ‌های کیفی تکمیلی در کنار اعمال مجازات اصلی می‌باشد که در نوع خودش اثر بازدارندگی و پیشگیری از وقوع جرم را دارد. به عبارت دیگر از نظر روابط فرعی ناشی از پاسخ‌های موضوع سیاست جنایی می‌توان گفت قانون‌گذار با وضع مجازات تکمیلی اجباری (که ماهیت اقدام تامینی دارد) در کنار مجازات اصلی، از رابطه طولی (مکمل) تبعیت نموده است.

قابل ذکر است پاسخ‌های غیرکیفری دیگری اعم از دولتی یا جامعه‌ی ناظر بر کلیه جرایم در قوانین دیگر وجود دارد که مرتکبین جرایم مربوط به مواد مخدر نیز مشمول آنها قرار می‌گیرند مثل محرومیت از حقوق اجتماعی موضوع ماده ۲۵ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، عدم به کارگیری و استخدام مرتکبین این جرایم در شرکت‌ها و مؤسسات

۱. چاپ اول این سند به صورت کتابچه توسط مرکز مشاوره دانشگاه تهران در سال ۹۰ منتشر شده است.

غیردولتی (خصوصی)، ایجاد حق طلاق برای همسر مرتکب، عدم امکان ازدواج مرتکب با افراد عادی جامعه.

اعتیاد و ارتکاب جرایم مواد مخدر به لحاظ حرمت شرعی و اخلاقی آنها در جامعه ایران، هم انحراف و هم جرم تلقی می‌شود و بر این مبنا پاسخ‌های دولتی و جامعه‌ی را توأمان به دنبال دارد ولی پاسخ‌های دولتی به عنوان اصل و در اولویت پذیرفته شده است. البته پاسخ‌های غیرکیفری دولتی و جامعه‌ی باید نظام‌مند و هدف‌مند و حدود و ثغور آنها مشخص شده باشد در غیر این صورت نه تنها از نظر اصلاح و درمان و بازدارندگی مفید نخواهد بود بلکه خود جرم‌زا و موجب فساد است.

۲. سیاست جنایی مشارکتی

سیاست جنایی مشارکتی، یعنی یک سیاست جنایی همراه با مشارکت جامعه مدنی که در چارچوب آن اهرم‌ها و نهادهای دیگر در کنار پلیس و دستگاه قضایی پاسخ به پدیده مجرمانه را سازمان می‌بخشد یا همان شرکت دادن مردم در مقابله با پدیده مجرمانه است. سیاست جنایی مشارکتی یعنی پیشگیری در کنار سرکوبی، از امور اجتماعی متعلق به همه افراد جامعه محسوب می‌شود (لازرژ «کریستین»، ۱۳۹).

می‌توان گفت سیاست جنایی ذاتاً دولتی به سوی سیاست جنایی مشارکتی، که جلوه‌ای از مشارکت مردم در مراحل مختلف کشف، تعقیب، محاکمه، اجرای حکم و نیز پیشگیری از بزه‌کاریست، حرکت می‌کند. به بیان دیگر دولت‌ها نمی‌توانند نقش مؤثر و نهادهای متشکل مردمی (NGOs) را در اشکال گوناگون کنترل جرم نادیده گیرند (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۷: ۴۳). بدین ترتیب سازمان‌های غیردولتی برای زدودن و مواجهه با معضل سوءمصرف مواد مخدر گزینه‌های مطلوب می‌باشند. خاصیت مشارکتی، داوطلبانه و نوع‌دوستانه این تشکل‌ها سبب می‌گردد کسانی با علاقه و از روی آگاهی جذب آنها شوند و با همکاری خود سازمان را در نیل به اهدافش یاری رسانند. سازمانهای مردم نهاد بدلیل ماهیت مردمی خود و دور از بوروکراسی و مسایل پیچیده اداری راحت‌تر با گروه‌های هدف خود ارتباط برقرار می‌سازند و به‌طور بهینه رسالت خویش را انجام می‌دهند.^۱

در خصوص تعداد سازمان‌های غیردولتی و مردم نهاد فعال برای مقابله با جرایم مواد مخدر، آمار دقیقی در دسترس نمی‌باشد ولی می‌توان گفت سیاست جنایی مشارکتی که

۱. سایت ستاد مبارزه با مواد مخدر، مقاله سازمان‌های غیردولتی و نقش آنها در زمینه کاهش تقاضای مواد مخدر.

بیشتر با مشارکت مردم و یا سازمان‌های مردم‌نهاد ترسیم می‌گردد عمدتاً در سیاست جنایی غیرکیفری اعم از پیشگیری، اصلاح و درمان قابل اعمال است در حالی که اعمال سیاست جنایی کیفری امری حاکمیتی و از شئون حکومت است.

یکی از محورهای تهیه طرح ملی مبارزه با مواد مخدر و روانگردان مصرح در بند «ز» ماده ۹۷ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی، تقویت نقش مردم و سازمان‌های غیردولتی در امر پیشگیری و مبارزه با اعتیاد است و همین‌طور مواد چهارم و نه سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر سال ۸۵ بر اتخاذ راهکارهای پیشگیرانه با بهره‌گیری از امکانات دولتی و غیردولتی و مشارکت جدی آحاد مردم و خانواده‌ها و حمایت از تشکل‌های مردمی در زمینه‌های پیشگیری، کاهش آسیب و درمان معتادان تصریح دارد. بنابراین قانونگذار در بندهای ۶ و ۷ اصلاحیه با اصلاح مواد ۱۵ و ۱۶ قانون مبارزه با مواد مخدر، سیاست جنایی مشارکتی را به صورت محدود در خصوص درمان، ترک اعتیاد و کاهش آسیب، آن هم با نظارت دولت پذیرفته است بدین نحو که شخص معتاد را مکلف به ارائه گواهی درمان و ترک اعتیاد از مراکز غیردولتی یا خصوصی یا سازمان‌های مردم‌نهاد در کنار مراکز دولتی نموده است. البته نقش و دخالت نهادهای غیردولتی و مردمی در امر پیشگیری از اعتیاد و جرایم مواد مخدر نسبت به سایر ارکان سیاست جنایی در ایران بیشتر است که در مقررات مختلف بر آن تصریح گردیده است. پیش‌نویس اولیه اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر متناظر با سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر در کمیسیون مبارزه با مواد مخدر و قاچاق در ۱۱۹ ماده در سال ۸۷ به صورت جامع تهیه شده بود و یکی از فصول آن اختصاص به مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد داشت که متأسفانه به دلایل نامعلوم به سرانجام تصویب نرسید.

بند ۱۵ اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر با الحاق ماده ۴۵، اصلاح قانون مزبور را توسط مجلس شورای اسلامی بلامانع دانسته است. حسن و جنبه مثبت این بند از اصلاحیه از این جهت است که امکان اعمال سیاست جنایی تقنینی در خصوص جرایم مواد مخدر را که قبل از این در انحصار مجمع تشخیص مصلحت قرار داشت به مرجع رسمی قانونگذاری داده است یعنی مجلس شورای اسلامی می‌تواند با فرایند صحیح قانونگذاری که به نحوی نماینده افکار عمومی و متأثر از واقعیات اجتماعی در مورد جرایم مواد مخدر می‌باشد از طریق کارشناسی و بررسی تخصصی، سیاست جنایی جرایم مواد مخدر را ترسیم و در مسیر اهداف منظور هدایت کند و مضافاً اینکه امکان کنترل سیاست جنایی تقنینی جرایم مواد مخدر توسط مرجع نظارتی یعنی شورای نگهبان از نظر عدم مغایرت با موازین شرعی نیز فراهم گردیده است.

گفتار دوم - سیاست جنایی قضایی و تضعیف اصول حتمیت و قطعیت مجازاتها

سیاست جنایی قضایی یعنی نحوه استنباط و برداشت دستگاه قضایی از سیاست جنایی تقنینی و نحوه اعمال قوانین و مقررات مربوط است که از اصل متغیر بودن تفسیر قواعد حقوق کیفری نشأت می‌گیرد. نحوه دریافت گفتمان سیاست جنایی قانونگذار توسط قوه قضائیه و نیز چگونگی اعمال و اجرای سیاست جنایی تقنینی توسط مراجع قضایی، بدنه سیاست جنایی قضایی را تشکیل می‌دهد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۷۹: ۱۶).

این یک آرمان مردم سالارانه است که تا حد امکان حقوق باید مطابق ایده‌ها، نگرش‌ها و عقیده‌های اگر نه همه مردم، دست کم اکثریت شهروندان شکل بگیرد. علاوه بر این، چنین اظهارنظر شده که قوانین و نهادهای اجرای قانون، اعتبار و مشروعیت خود را از هماهنگی با «درک عمومی از دولت» به دست می‌آورند. کتاب قانون بدون داشتن ریشه‌ای عمیق در «روح مردم» و «آداب و رسوم رایج» به یک ببر کاغذی بدل می‌شود (زینالی، ۱۳۸۲: ۲۳۵). به عبارت دیگر چنانچه سیاست جرم‌انگاری و وضع مجازات با کرامت انسانی و افکار عمومی که قوه مقننه و همینطور قضات دادگستری متأثر از آن هستند، منطبق نباشد علاوه بر تحمیل هزینه‌های مادی و معنوی هنگفت بر جامعه، سرانجامی جز شکست و دوری از اهداف مجازات را نخواهد داشت. به قول «ژرژ پیکا»، با فقدان اجماع یک اکثریت کافی، قانون کیفری باید قلمروهایی را که مدتها تحت حاکمیتش بوده است ترک کند و اعمالی که تاکنون با عنوان «مجرمانه» مورد ملاحظه قرار می‌گرفتند در قالب فرایند «جرم‌زدایی» از سیطره قانون کیفری خارج سازد (پیکا، ۱۳۷۰: ۱۰۲).

موفقیت و اجرای مطلوب قوانین جزایی در گرو همسویی رویکرد دستگاه عدالت کیفری با خواسته و اهداف سیاست جنایی تقنینی است. به عبارت دیگر اهداف و اراده قانونگذار در اجرای کامل قوانین کیفری توسط دستگاههای قضایی و انتظامی نمایان می‌شود؛ طبیعی است که اگر این همسویی بین مراجع تقنینی و قضایی وجود نداشته باشد یا متزلزل گردد بدون شک امر مبارزه با جرایم مختل و از مسیر مورد نظر خارج خواهد شد. بالاخص زمانی که قانون جزایی از نظر توجیه اجرای مجازات، منطبق و هماهنگ با باورهای دست‌اندرکاران دستگاه عدالت کیفری بویژه قضات که متأثر از افکار عمومی جامعه هستند نباشد تبدیل به یک قانون خنثی و ناموفق خواهد شد. بنابراین مجلس قانونگذاری در تصویب قوانین مربوط به مجازات باید با تأسی از میزان قبح اجتماعی جرایم، ضمانت‌های اجرایی را مقرر نماید که مجریان در اجرای آن با اختلال مواجه نگردند و این اختلال زمانی برجسته خواهد شد که قانون جزایی با باورهای کیفری قضات در اجرای مجازات همخوانی نداشته باشد (اکبری، ۱۳۸۸). چرا که قضات در عمل مجری قانون‌اند و هر آنچه قانون بگوید لاجرم باید اجرا کنند

اما در صدور آرای قضایی، نیروی دیگری نیز دخالت دارد. نیرویی که در مقابل جبر بیرونی قانون از ندای درونی بشر بر می‌خیزد و آن ندای درونی، وجدان دادرس است که از وی می‌خواهد رأی را با عدالت منطبق سازد، چه همواره قوانین عادلانه به نظر نمی‌رسند و با عدالت منطبق نیستند (گودرزی، ۱۳۸۱: ۲۷).

در همایش بین‌المللی مواد مخدر در تهران، مجازات اعدام که از دیدگاه‌های مختلف مورد بررسی قرار گرفت مورد تردید واقع شد و فاصله بین سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی در ایران از جمله دلایل ضرورت تجدیدنظر در مجازات مذکور تلقی گردید. پیشنهاد ارسال محکومیت به اعدام از سوی قضات صادر کننده احکام اعدام با هدف تبدیل آن به حبس ابد توسط دیوان عالی کشور، با توجه به وضع خاص برخی از محکومان که آلت فعل تشکیلات تبهکاری خارج از کشورند، قرینه‌ای بر عدم اعتقاد قضات به این مجازات تلقی می‌گردد ظاهراً در پاکستان نیز، از طریق تجدیدنظر در احکام اعدام و تبدیل آن به مجازات حبس، سعی بر رعایت تناسب بین جرم و مجازات می‌گردد (آشوری، ۱۳۹۲: ۲۰۷).^۱

از دیدگاه فلسفی و نظریه سزادهی و مکافات‌گرایی، اگر مجرم با تحمل مجازات‌های سنگین بالاخص اعدام تاوان عمل مجرمانه خود را پس می‌دهد و دین خود را به جامعه از جهت ایراد صدمه ادا می‌کند، آیا عادلانه بودن مجازات‌ها و تناسب آن با جرم ارتكابی نباید مورد توجه قرار گیرد و آیا عدم رعایت آموزه‌های کیفرشناسی و اصول و قواعد حاکم بر وضع مجازات‌ها از نظر تئوری و عملی، بر خلاف موازین عدالت نخواهد بود؟ «آیا "حیات" و "جان" به عنوان ابزاری برای پرداخت دین به جامعه محسوب می‌گردد و مجازات اعدام را با این بهاء گران می‌توان سنجید پاسخ به این پرسش شبیه بر انگیز و دشوار خواهد بود» (داوودی، ۱۳۸۳: ۲۵۹). به عقیده بکاربا، نمایش وحشتناک اما زودگذر اعدام تبهکار، قوی‌ترین عامل بازدارنده در مقابل جرایم نیست بلکه نمونه طولانی و مدام یک انسان محروم از آزادی است که به‌مانند یک حیوان بارکشی، با تحمل خستگی و رنج‌های شدید، خسارات جامعه زیاد دیده از عمل خود را جبران می‌کند. بنابراین عدالت خوب آن نیست که شدیداً مجازات کند بلکه آن است که به همه تبهکاران بپردازد (ژان پرادل، ۱۳۸۷: ۵۴ و ۵۵). لذا انحراف قانونگذار از ایدئولوژی حاکم بر مجازات‌ها و واقعیت انسانی جرم، بیراهه رفتن و تحمل شکست عمیق در نیل به اهداف مجازات‌ها را در پی خواهد داشت که در عمل نیز غیر از این شاهد نیستیم.

۱. به نقل از همایش بین‌المللی علمی - کاربردی، جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی) قوه قضائیه، ج اول، اردیبهشت ۱۳۷۹: ۳۴۱ - ۳۲۹.

در مورد مجازات، به نظر قضات کارآیی "اعدام" مورد تردید می‌باشد و فاصله بین سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی در ایران از جمله دلایل ضرورت تجدیدنظر در مجازات مذکور تلقی می‌شود و پیشنهاد برخی از قضات صادرکننده احکام اعدام مبنی بر تبدیل اعدام به حبس ابد قرینه‌ای بر عدم اعتقاد قضات به این مجازات تلقی می‌شود (آشوری، ۱۳۷۹: ۳۳۷). رویه قضایی ایران در برخورد با مجازات اعدام، مخصوصاً در سال‌های اخیر از خود نرمش بیشتری نشان داده است، برای مثال از بین ۱۲۵ هزار پرونده مربوط به مواد مخدر که طی سال‌های اخیر مورد بررسی قرار گرفته است ۲۰۰۰ فقره آن منجر به صدور حکم اعدام برای متهمان شده‌اند و این تعداد (۲۰۰۰ فقره) فقط نهم درصد پرونده‌های جامعه آماری مورد آزمون را تشکیل می‌دهد. از این تعداد حکم اعدام نیز فقط دوازده درصد به اجرا گذاشته شده است و بقیه آنان یا مشمول عفو واقع شده و یا به دلیل واقع‌بینی دیوان عالی کشور نقض شده‌اند (ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹: ۳۳). نقض احکام اعدام به وسیله دیوان عالی کشور، نشان‌دهنده عدم همسویی سیاست جنایت قضایی با سیاست جنایی تقنینی است. برای مثال در سال ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹ به ترتیب از بین ۱۵۸۶۹ و ۱۳۲۵۲ متهمان مستحق مجازات اعدام، فقط به ترتیب ۱۷۲۵ و ۲۳۹۰ مورد حکم اعدام صادر شده و از بین موارد مذکور فقط ۴۰۴ و ۴۰۳ مورد تأیید و از این میان ۲۲۴ و ۲۲۶ مورد اجرا شده است (سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر، ۱۳۷۹: ۶۷).

عدم تبعیت سیاست جنایی قضایی از سیاست جنایی تقنینی به این معنی است که قانونگذار در وضع قانون به بیراهه رفته است و در عوض، انصاف‌طلبی قضات وجود دارد که به لحاظ مشاهده عینی وقایع اجتماعی و امکان درک درست‌تر و بهتر از این وقایع، راه اعمال انحرافی سرکوب‌گرانه قانونگذار را در عمل سد می‌کند (رحمدل، ۱۳۸۵: ۱۵۷). چون قضات پیش از آنکه حامی و مجری قوانین باشند انسانند و به حکم طبیعت خود، میل دارند قانون را به گونه‌ای تفسیر کنند که با عدالت منطبق باشد. قاضی نماینده دولت است و به نام او تصمیم می‌گیرد ولی به عنوان «انسان» از محیط متأثر می‌شود (کاتوزیان، ۱۳۷۷: ۶۶۵).

اصول حتمیت و قطعیت مجازات‌ها که از ایده‌های سزار بکاریا در کتاب رساله جرایم و مجازات‌ها می‌باشد به این معنی است که مردم و بالاخص مجرمین باور قطعی داشته باشند هرکس مرتکب جرمی شود بدون تردید و به صورت حتمی به مجازات خواهد رسید. "حتمی بودن عقوبتی حتی معتدل، همیشه تأثیر شدیدتر از ترس از مجازاتی موحش که امید رهایی در آن راه دارد به جا می‌گذارد، زیرا وقتی گریز از کیفر محال باشد ملایم‌ترین رنج‌ها روح بشر را متوحش می‌کند هر چه کیفرها ملایم‌تر باشد ضرورت ترحم و عفو کمتر احساس می‌شود... زیرا اگر مردم دریابند که می‌توان از سر تقصیراتشان گذشت و مجازات نتیجه

ضروری اعمالشان نیست امید فریبنده رهایی از کیفر در نهادشان پرورش می‌یابد" (بکاریا، ۱۳۷۷: ۸۶ و ۸۷). به جای تأکید در استفاده از کیفرهای بدنی سنگین که تاکنون مؤثر واقع نشده است باید دست‌اندرکاران مواد مخدر را در مقابل دو امر حتمیت و قاطعیت در امور کیفری قرار داد تا از ارتکاب جرم منصرف شوند حتمیت در کشف جرم و قاطعیت در اجرای کیفر متناسب با قبح و زیان اجتماعی جرم حتی به مقدار کم. زیرا افکار عمومی ارتکاب قاچاق را کار چندان خوار و خفیف نمی‌دانند تا موجب رسوایی و کسر شأن و حیثیت و برانگیختن نفرت عموم گردد (گلدوزیان، ۱۳۸۰: ۲۲۹). کارآیی قانون خفیفی که حتماً و قطعاً از سوی دادگاهها اجرا شود بسیار بیشتر از قانون شدیدی است که قضات از استناد به آن و اجرای مفاد آن نسبت به مجرمان ابا دارند (ژان براول، ۱۳۷۳: ۶۱). مضافاً اینکه بررسی‌های علمی روانشناسان، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان نشان داده است که شدت و سخت‌گیری در سیاست‌های مبتنی بر سرکوبی، چنانچه به طور دایمی و در طول زمان صورت بپذیرد و جنبه برنامه‌ریزی شده و زمان‌بندی مشخصی نداشته باشد اثر بازدارندگی خود را از دست می‌دهد (باصری، ۱۳۸۶: ۱۲۱).

در کلیه نظامهای حقوقی، مجازات طرد کننده علیه جرایمی به کاربرده شده که شدتشان آن چنان بوده که مکافات ناپذیر به نظر می‌رسیده‌اند و تحمیل یک ضمانت اجرای کیفری شدید در مورد آنها به منظور پاسداری از نظم عمومی، ضروری به نظر می‌آمده است. این مجازات زمانی که کوشش‌های انجام شده به منظور انطباق‌پذیر ساختن مجدد اجتماعی بزهکار با شکست روبرو شده است اعمال می‌گردد در چنین موردی، رسالت فایده‌گرای کیفر از طریق حذف و طرد مجرم به اجرا در می‌آید چنین هدفی به وضوح با اجرای مجازات مرگ، حاصل می‌شود. لیکن این نوع کیفر، تنها روش رسیدن به این هدف نیست و چنین مجازات‌هایی (اعدام و حبس ابد) در عمل به لحاظ عفو‌هایی که دیر یا زود به محکومین اعطا می‌شوند از میان رفته‌اند. بنابراین اجرای این مجازاتها نباید این امکان را از نظر دور بدارد که چنین محکومی روزی می‌تواند دوباره به جامعه باز گردانده شود (برناربولک، ۱۳۷۷: ۲۶ و ۲۷). اثر ارعابی و بازدارندگی فقط در زمانی بروز و ظهور خارجی می‌یابد که مجازات تعیین شده در مورد مرتکب حتماً اجرا و اعمال گردد، لذا عدم قابل اجرا بودن کیفر می‌تواند در طول زمان باعث زائل شدن اثر بازدارندگی کیفر و در نتیجه زوال مشروعیت آن و حتی نظام کیفری گردد (صفاری، ۱۳۸۴: ۱۴۱).

به جرأت می‌توان گفت در سیستم قضایی ایران اصول حتمیت و قطعیت اجرای مجازات بنا به دلایل عدیده من جمله استفاده بی‌ضابطه و فاقد هدفمند از نهادهای عفو خصوصی، آزادی مشروط، تخفیف و تعلیق مجازات و همچنین کندی سرعت عادلانه دادرسی‌های

کیفری، امکان اعمال نفوذ در کادر قضایی و انتظامی، عدم تمایل اکثریت قضات به اجرای مجازات‌های شدید (از جمله اعدام) و سعی در توسل به نهادهای مذکور، تا حد زیادی جایگاه خود را از دست داده است و موجب خنثی شدن و ناموفق بودن خیلی از قوانین جزایی بالاخص قانون مبارزه با مواد مخدر گردیده است. نگارنده در مواجهه با دهها متهم جرایم مواد مخدر به تجربه به این مهم دست یافته است که مجرمین جرایم مواد مخدر، اعتقاد راسخ به اجرای کیفرهای شدید از جمله اعدام و حبس ابد ندارند. متهمین بر این باور بودند که در مورد متهمین قبل از آنها به رغم صدور محکومیت قطعی، مجازات اعدام یا حبس ابد در اثر نقض حکم توسط رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور و یا اعمال عفو خصوصی اجرا نشده است و جالب اینکه خود متهمین مزبور متعاقباً به این باورشان می‌رسیدند. لذا مبرهن است که خیلی از احکام اعدامی که صحیحاً صادر گردیده‌اند در نهایت نقض یا مشمول عفو یا تخفیف قرار گرفته‌اند. بنابراین قانون مبارزه با مواد مخدر که کاملاً مبتنی بر شدت مجازات‌هاست کارآیی و اثر بازدارندگی خود را از دست داده است و بسیاری از مجرمین مواد مخدر بعد از تحمل مجازات، مرتکب تکرار جرم شده‌اند و این، دلیل روشنی بر شکست جدی قانون مبارزه با مواد مخدر جهت نیل به اهداف منظور است.

بدین ترتیب شدت مجازات‌ها و عدم تناسب آنها با خیلی از جرایم مواد مخدر علاوه بر آنکه خلاف کرامت انسانی و اصول عدالت و فردی بودن مجازات‌ها می‌باشد در عمل موجب بلااجرا ماندن یا خنثی شدن بعضی از مجازات‌های سنگین مثل اعدام و حبس ابد و در نتیجه تجری بسیاری از مرتکبین این جرایم گردیده است (اکبری، ۱۳۸۹: ۴).

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

در این تحقیق با بررسی سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر به این مهم رسیده ایم که سیاست کیفری قانونگذار در قانون مبارزه با مواد مخدر همواره مبتنی بر سرکوب، شدت مجازات و عدم تناسب آنهاست به نحوی که در تعیین مجازات‌ها به میزان قبح اجتماعی عمل، شخصیت مرتکب، کرامت انسانی، نوع جرم و موازین حقوق بشری که از معیارهای تعیین مجازات متناسب می‌باشد توجه کافی نگردیده است و باید گفت سیاست کیفری مبتنی بر استفاده بیشتر از مجازات‌های اعدام و حبس‌های طولی‌المدت علاوه بر نداشتن اثر بازدارندگی مطلوب، ناعادلانه و بر خلاف کرامت انسانی است چرا که عدم تمایل قضات به صدور چنین احکام و سعی در توسل به مفرّهای قانونی و حتی در مواردی غیرقانونی و همچنین نقض یا عدم اجرای اکثریت آنها به جهات مختلف، دلیل روشنی است بر این مدعی که مجازات‌های شدید و سرکوب‌کننده مورد اقبال سیاست جنایی قضایی نبوده و نیست لذا

سیاست کیفری مقنن مبتنی بر سرکوب و شدت مجازات به لحاظ خروج از اعتدال و تناسب در عمل خنثی گردیده یا موفقیت‌های مورد انتظار را به دنبال نداشته است.

همچنین عدم تمایل قضات به صدور احکام سنگین بالاخص اعدام، توسل بی‌حد و حصر به نهادهای عفو خصوصی و تخفیف مجازات و موارد عدیده نقض احکام اعدام توسط رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور و در نتیجه عدم اجرای خیلی از احکام اعدام از عواملی است که اصل حتمیت یا قطعیت مجازات را به شدت متزلزل نموده است. "در مورد حبس‌های طولی‌المدت نیز باید متذکر شد طبق تحقیقی که توسط مرکز مطالعات و پژوهش‌های سازمان زندانها در سالهای اخیر انجام شده و سابقه آن در این مرکز موجود است بین آزادی مشروط و عدم بازگشت مجرم آزاد شده به زندان ارتباط معنادار وجود دارد ولی در مورد آزادی بر اثر عفو این ارتباط تأیید نشده است" (اسعدی، ۱۳۸۸: ۲۴۳). بنابراین در مورد محبوسان جرایم مواد مخدر، استفاده از نهاد آزادی مشروط به عنوان یکی از ابزارهای اصل تفرید مجازاتها، قابل توجیه و فایده‌مند به نظر می‌رسد ولی در مورد اعمال عفو خصوصی چنین نخواهد بود.

در سیاست جنایی حاکم بر جرایم مواد مخدر بالاخص در بخش سیاست کیفری، پاسخ‌های رسمی و دولتی نقش اساسی و محوری ایفا می‌کند و در بخش سیاست غیرکیفری بالاخص نظام پیشگیری و درمان با توجه به وجود مقررات متعدد، پاسخ‌های جامعه‌وی مردم‌نهاد کم و بیش محسوس است و قابل ذکر است که به لحاظ فراملی بودن و سازمان یافته بودن قاچاق مواد مخدر و تحت تأثیر کنوانسیون‌های بین‌المللی جهانی و منطقه‌ای بالاخص کنوانسیون مبارزه با مواد مخدر ۱۹۸۸ سازمان ملل متحد و همچنین بر مبنای سیاست‌های کلی مبارزه با مواد مخدر مصوب ۱۳۸۵، از محاسن و گام‌های مثبت اصلاحیه قانون مبارزه با مواد مخدر در سال ۸۹ این است که به همکاری و مشارکت‌های دولت با سایر کشورها جهت تعقیب و رصد مجرمین مواد مخدر و محموله‌های آنها و همچنین مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در امر درمان و ترک اعتیاد با کنترل و نظارت دولت تصریح گردیده است.

و بالاخره باید اذعان کرد به رغم وجود مقررات متعدد و صرف هزینه‌های سنگین در زمینه درمان و پیشگیری از اعتیاد و جرایم مواد مخدر، نظام پیشگیری غیرکیفری در کشور همچنان ضعیف بوده و به دلایل عدیده موفقیت‌های مطلوب و مورد انتظار در این خصوص حاصل نگردیده است از جمله: فقدان وجود ساختار مناسب پیشگیری در سطح دستگاههای ذیربط، تعدد ارگان‌های مسئول و ضعف هماهنگی آنها، ضعف نظام رصد وضعیت مصرف مواد مخدر و عوامل آن، عدم حمایت و یا وجود موانع مختلف در برابر تأسیس و فعالیت و

مشارکت سازمان‌های غیردولتی و مردم‌نهاد در امر پیشگیری و درمان، ضعف کنترل و ارزیابی فعالیت‌ها و اقدامات معموله در خصوص پیشگیری، وجود ضعف و نارسایی در تخصیص بودجه و اعتبارات پیشگیری به ارگان‌های ذیربط و ناهماهنگی سازمان‌های دولتی و غیردولتی فعال و تأثیرگذار در حوزه پیشگیری.

و در نهایت در راستای تقلیل آسیب‌های ناظر بر سیاست جنایی جرایم مواد مخدر پیشنهادات زیر قابل توجه است:

۱- قانونگذار در جرم‌زدایی از اعتیاد به لحاظ تلقی بیمارگونه معتاد، سیاست جنایی مبتنی بر "درمان و بازپروری" را اتخاذ نموده ولی در وضع مجازات حبس در مورد معتادی که به تکلیف ارایه گواهی درمان و ترک اعتیاد عمل ننموده باشد نقض غرض نموده و به بیراهه رفته است چرا که اعمال مجازات حبس بر معتاد بیمار علاوه بر آنکه نافی سیاست درمان و بازپروری می‌باشد به هیچ عنوان هیچ اثر بازدارندگی و اصلاحی در مورد معتاد به دنبال نخواهد داشت. پیشنهاد می‌شود در صورتی که معتاد به تکلیف درمان و ترک اعتیاد و ارایه گواهی آن عمل ننماید به جای اعمال مجازات حبس که هیچ‌گونه فایده‌ای بر آن مترتب نمی‌باشد الزام و نگهداری قهری شخص معتاد در مراکز درمان و ترک اعتیاد جهت صدور گواهی راهکار مناسبی است.

۲- برای تحکیم اصول حتمیت و قطعیت مجازات‌ها و بازدارندگی آن پیشنهاد می‌گردد: الف) مجازات‌ها از طریق کاهش یا تغییر نوع آنها و تعیین بین حداقل و حداکثر تعدیل و متناسب گردند. ب) استفاده بی‌حد و حصر دستگاه قضایی از نهادهای تخفیف‌دهنده یا زائل‌کننده مجازات محدود، هدفمند و در عین حال ضابطه‌مند گردد به نحوی که برای مجرمین مواد مخدر امیدواری بی‌جهت و حتی حق مسلم در استفاده از آنها ایجاد نشود. ج) سرعت توأم با دقت در دادرسی‌های جرایم مواد مخدر، تأمین و آموزش نیروی انسانی کافی در سطح پلیس و کادر قضایی جهت تعقیب و دستگیری سریع مرتکبین این جرایم، مورد توجه کافی قرار گیرد.

۳- در راستای رعایت اصول تناسب، عادلانه بودن و انسانی کردن مجازات‌ها، مجازات‌های اعدام و حبس دائم از جرایم مواد مخدر لغو و تعدیل گردد و یا حداقل محدود به جرایم سازمان یافته و مرتکبین عمده جرایم مواد مخدر شود.

۴- جهت تقویت پیشگیری غیر کیفری از اعتیاد و جرایم مواد مخدر، پیشنهاد می‌شود به هماهنگی و انسجام ارگان‌های متولی و همچنین ارزیابی وظایف و اقدامات آنها در این خصوص توجه کافی و لازم گردد.

منابع و مأخذ:

الف. فارسی:

۱. اسعدی، سید حسن (۱۳۸۸)، **مواد مخدر و روانگردان در حقوق جنایی ملی و بین‌المللی**، چاپ اول، تهران: نشر میزان.
۲. اکبری، عباسعلی، (۱۳۸۹)، **نگاهی به سیاست جنایی قضایی حاکم بر جرایم مواد مخدر**، همایش آسیب‌شناسی قوانین مبارزه با مواد مخدر، شورای هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر استان آذربایجان شرقی.
۳. اکرمی، الهام (۱۳۸۹)، «سیاست جنایی اسلام: سزادهی یا بازپروری؟»، **مجله تعالی حقوق**، شماره ۶، سال دوم، صص ۳۷-۳۳.
۴. آشوری، محمد (۱۳۷۹)، **نتیجه‌گیری کلی همایش بین‌المللی علمی - کاربردی جنبه‌های مختلف سیاست جنایی در قبال مواد مخدر**، مجموعه مقالات (سخنرانی‌های داخلی)، جلد اول، نشر روزنامه رسمی کشور.
۵. آشوری، محمد (۱۳۹۲)، **نتیجه‌گیری کلی همایش بین‌المللی مواد مخدر تهران، عدالت کیفری ۲** (مجموعه مقالات)، انتشارات دادگستر، چاپ اول، صص ۲۱۲-۱۹۹.
۶. باصری، علی اکبر (۱۳۸۶)، **سیاست جنایی (داخلی و بین‌المللی) مواد مخدر**، چاپ اول، تهران: نشر خرسندی.
۷. برنار، بولک (۱۳۷۷)، **کیفرشناسی**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، چاپ دوم، تهران: انتشارات مجد.
۸. پیکا، ژرژ (۱۳۷۰)، **جرم‌شناسی**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۹. جرج پی، فلچر (۱۳۸۴)، **مفاهیم بنیادین حقوق کیفری**، ترجمه سید مهدی سیدزاده ثانی، چاپ اول، تهران: نشر آستان قدس رضوی.
۱۰. حبیب‌زاده محمدجعفر و رحیمی‌نژاد، اسماعیل (۱۳۸۷)، «مجازات‌های نامتناسب: مجازات‌های مغایر با کرامت انسانی»، **مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران**، دوره ۳۸، شماره ۲، صص ۱۳۴-۱۱۵.
۱۱. حسینی، سید محمد (۱۳۸۳)، **سیاست جنایی در اسلام و در جمهوری اسلامی ایران**، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۱۲. داوودی گرمارودی، هما (۱۳۸۳)، **بررسی پویایی و پایایی نئوکلاسیسم باز اندیشیده**، رساله دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۱۳. دلماس مارتی، می‌ری (۱۳۸۱)، **نظام‌های بزرگ سیاست جنایی**، ترجمه دکتر علی حسینی نجفی ابرندآبادی، چاپ اول، تهران: نشر میزان.

۱۴. رایجیان اصل، مهرداد (۱۳۸۴)، «حمایت از بزه‌دیدگان در جرایم مواد مخدر»، از کتاب **علوم جنایی (گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)**، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در ایران، نشر سلسبیل، جلد دوم، چاپ اول، صص ۳۳۸-۳۰۳.
۱۵. رحمدل، منصور (۱۳۸۵)، «تحولات سیاست جنایی تقنینی و قضایی ایران در زمینه مجازات اعدام در جرایم مواد مخدر»، **مجله جامعه‌شناسی ایران**، دوره هفتم، شماره ۱، صص ۱۶۵-۱۴۹.
۱۶. رحمدل، منصور (۱۳۸۳)، **حقوق کیفری مواد مخدر**، چاپ اول، تهران: نشر میثاق عدالت.
۱۷. رحمدل، منصور (۱۳۸۳)، **سیاست جنایی ایران در قبال جرایم مواد مخدر**، چاپ اول، تهران: انتشارات سمت.
۱۸. زینالی، حمزه (۱۳۸۲)، **بررسی قوانین کیفری ایران از نظر جرم‌زایی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
۱۹. ژان پراول (۱۳۷۳)، **تاریخ اندیشه‌های کیفری**، ترجمه دکتر علی حسین نجفی ابرنآبادی، جلد اول، تهران: انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
۲۰. سالنامه آماری ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۷۹).
۲۱. سایت ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۷۹)، سازمانهای غیردولتی و نقش آنها در زمینه کاهش مواد مخدر.
۲۲. سایت ستاد مبارزه با مواد مخدر (۱۳۷۹)، **کندوکاوی پیرامون نواقص قانون مبارزه با مواد مخدر**، اداره کل حقوقی، امور قوانین و مجلس ستاد مبارزه با مواد مخدر.
۲۳. سزاربکاریا (۱۳۷۷)، **رساله جرایم و مجازات‌ها**، ترجمه دکتر محمد علی اردبیلی، تهران: نشر میزان.
۲۴. سند جامع پیشگیری اولیه از اعتیاد (۱۳۹۰)، مرکز مشاوره دانشگاه تهران.
۲۵. شاکری گلپایگانی، طوبی (۱۳۸۵)، **سیاست جنایی اسلام**، تهران: چاپ اول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۲۶. صفاری، علی (۱۳۸۴)، «کیفرشناسی و توجیه کیفر، از کتاب علوم جنایی» **(گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران)**، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر، جلد دوم، نشر سلسبیل، چاپ اول، صص ۱۵۱-۸۹.
۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۷)، **فلسفه حقوق**، جلد اول، چاپ اول، تهران: شرکت سهام انتشار.
۲۸. کاوادینو(ام)، دیگلنن(جی) (۱۳۸۴)، «توجیه یا دلیل آوری مجازات»، ترجمه دکتر علی صفاری، **مجله تحقیقات حقوقی**، شماره ۴۲، صص ۳۲۴-۲۸۷.
۲۹. گسن، ریموند (۱۳۷۰)، **جرم‌شناسی کاربردی**، ترجمه دکتر مهدی کی‌نیا، چاپ اول، تهران: نشر مترجم،

۳۰. گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۰)، «سیاست جنایی در قبال مواد مخدر (اصلاح قانون و تناسب جرم و مجازات)»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۵۱، صص ۲۳۲-۲۲۹.
۳۱. گودرزی، محمدرضا (۱۳۸۱)، «نقدی بر سیاست جنایی دولت در مبارزه با مواد مخدر»، *مجله اصلاح و تربیت*، شماره ۲۱، صص ۲۹-۲۶.
۳۲. لازرژ، کریستین (۱۳۸۲)، *درآمدی بر سیاست جنایی*، ترجمه دکتر علی حسینی نجفی ابرندآبادی، تهران: نشر میزان.
۳۳. لازرژ، کریستین (۱۳۷۵)، *سیاست جنایی*، ترجمه دکتر علی حسینی نجفی ابرندآبادی، تهران: موسسه نشر یلدا.
۳۴. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹)، *قواعد فقه (بخش جزایی)*، چاپ اول، تهران: مرکز نشر علوم انسانی.
۳۵. مظلومان، رضا (۱۳۵۳)، *جرم‌شناسی*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۳۶. میر محمد صادقی، حسین (۱۳۸۲)، «کنکاشی در تأثیر اربعایی مجازات اعدام»، *ماهنامه دادرسی*، شماره ۳۷، صص ۹-۳.
۳۷. نجفی ابرندآبادی علی حسین و هاشم‌بیگی، حمید (۱۳۷۷)، *دانشنامه جرم‌شناسی*، چاپ اول، تهران: نشر دانشگاه شهید بهشتی.
۳۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۹)، *تاریخ تحولات حقوق کیفری، تقریرات مباحثی در علوم جنایی*، سال تحصیلی ۷۸-۷۹ مقطع کارشناسی ارشد.
۳۹. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۴)، «سیاست جنایی از کتاب علوم جنایی» *گزیده مقالات آموزشی برای ارتقاء دانش دست‌اندرکاران مبارزه با مواد مخدر در ایران*، کمیته معاضدت قضایی ستاد مبارزه با مواد مخدر و جرم سازمان ملل متحد در ایران، نشر سلسبیل، جلد دوم، چاپ اول، صص ۲۷۱-۲۰۵.
۴۰. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۷۷)، «بزهکاری و احساس ناامنی و کنترل»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۲۲، صص ۸۴-۴۳.
۴۱. نوبهار، رحیم (۱۳۸۰)، «به سوی مجازات‌های هرچه انسانی‌تر»، *مجموعه مقالات همایش بین‌المللی حقوق بشر و گفتگوی تمدن‌ها*، انتشارات دانشگاه مفید، چاپ اول، صص ۳۴۰-۳۱۵.
۴۲. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۸۷)، «اصل تناسب جرم و مجازات»، *مجله نامه مفید (نامه حقوقی)*، شماره ۶۷، صص ۱۵۶-۱۳۹.
۴۳. یزدیان جعفری، جعفر (۱۳۹۱)، *چرایی و چگونگی مجازات*، چاپ اول، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

ب. خارجی:

1. Berns, (Walter), Retribution as a Ground for Punishment, Crime and Punishment, by Bauman, (FredE), & Jensen, (tmkerne), university press of Wirginia, 1989.
2. Siegel (L) Senna (J) interduction to criminal Justice 7 ed, 1996.

